

بررسی تطبیقی تمایلات فرزندآوری زنان گُرد شیعه و سنی در مناطق روستایی شهرستان کامیاران

حاتم حسینی*

عباس عسکری ندوشن**

ناهید مرادی***

چکیده

تدوین و اجرای موفق هرگونه سیاست جمعیتی در زمینه باروری، متکی به ارتقای شناخت و آگاهی از عواملی است که تمایلات فرزندآوری زنان را تحت تأثیر قرار می‌دهد. هدف از این مقاله، بررسی و تبیین تمایلات فرزندآوری زنان گُرد همسردار شیعه و سنی واقع در دامنه سنی تولید مثل ساکن در مناطق روستایی شهرستان کامیاران است. داده‌ها از طریق پیمایشی که در مرداد ۱۳۹۳ در میان ۵۰۰ خانوار نمونه مناطق روستایی شهرستان کامیاران صورت گرفت، گردآوری شد. نتایج نشان

* دانشیار جمعیت‌شناسی، گروه علوم اجتماعی، دانشگاه بوعلی‌سینا (نویسنده مسئول): h-hosseini@basu.ac.ir

** استادیار جمعیت‌شناسی، دانشکده‌ی علوم اجتماعی، دانشگاه یزد؛ aaskarin@yahoo.com

*** دانشجوی کارشناسی ارشد جمعیت‌شناسی، دانشگاه یزد؛ nahid.moradi64@yahoo.com

داد که تمایل به فرزندآوری بیش‌تر در هر دو گروه مذهبی مورد بررسی؛ پایین است. با این وجود، تمایلات فرزندآوری زنان اهل سنت کمی بیش‌تر از زنان شیعه است. در میان زنانی که تمایل به فرزندآوری دارند، نسبت قابل توجهی از آن‌ها در هر دو گروه مذهبی اظهار داشته‌اند که می‌خواهند یک فرزند دیگر به دنیا بیاورند. این نسبت در میان زنان اهل سنت (۶۶/۴ درصد) بیش‌تر از نسبت متناظر (۶۲ درصد) در میان زنان شیعه است. نتایج تحلیل چندمتغیره نشان داد که ترکیبی از مشخصه‌های فرهنگی، اقتصادی - اجتماعی و جمعیتی نقش تعیین‌کننده و معناداری در پیش‌بینی احتمال تمایل به فرزندآوری در میان زنان هر دو گروه مذهبی دارند. بر اساس این نتایج، و برای جلوگیری از استمرار کاهش باروری یا ارتقای آن به بالاتر از سطح جایگزینی؛ سیاست‌های دولت باید همسو با خواسته‌ها و منافع زنان و خانواده‌ها باشد. در غیر این صورت، سیاست‌ها با مقاومت روبرو می‌شوند و در نهایت احتمالاً شکست می‌خورند.

واژگان کلیدی

تمایلات فرزندآوری؛ شیعه، سنی؛ زنان گُرد؛ شمار فرزندان ایده‌آل؛ کامپاران

مقدمه

در ایران یکی از عرصه‌هایی که در سال‌های اخیر دستخوش تحولات بسیاری شده، کنش‌ها و نیات فرزندآوری افراد و خانواده‌ها به‌ویژه زنان است. باروری در طول سه دهه گذشته به طرز چشم‌گیری کاهش یافت. این کاهش تقریباً به‌طور هم‌زمان در همه مناطق جغرافیایی و گروه‌های سنی تولیدمثل صورت گرفت (عبّاسی‌شوازی و مک‌دونالد^۱، ۲۰۰۵: ۲۳۷-۲۱۷). بر اساس بررسی‌های صورت گرفته (عبّاسی‌شوازی و حسینی، ۱۳۸۸؛ عبّاسی‌شوازی و همکاران، ۱۳۸۳؛ صادقی، ۱۳۸۳) در طول دوران گذار باروری در ایران، گروه‌های قومی و استان‌های ناهمگن از نظر قومی و مذهبی، سطوح متفاوت اما روندهای باروری مشابه با سطوح و روندهای ملی باروری و اکثریت فارس

1. McDonald



تجربه کرده‌اند. عباسی‌شوازی و مک‌دونالد (۲۰۰۵: ۲۵) بر این باورند که خاستگاه این تفاوت‌ها ممکن است قومی یا مذهبی باشد، زیرا تأثیر تغییرات اقتصادی - اجتماعی و برنامه‌های دولت بر رفتار باروری با میانجی‌گری زمینه‌های قومی و فرهنگی صورت می‌گیرد. اگرچه برنامه‌ی تنظیم خانواده نقش مؤثری در سرعت کاهش باروری و استمرار آن از نیمه‌ی دهه‌ی ۱۳۶۰ به بعد داشته است (حسینی و عباسی‌شوازی، ۱۳۸۸: ۳)؛ اما می‌توان گفت فرآیند گذار باروری متناسب با تحولاتی بوده‌است که در ابعاد مختلف اقتصادی، اجتماعی و نیز برخی ابعاد سنتی خانواده به وقوع پیوسته (عباسی‌شوازی و عسکری‌ندوشن، ۱۳۸۴) و به تغییراتی در ایستارهای مرتبط با ازدواج و در نهایت رفتارها، ایده‌آل‌ها و تمایلات فرزندآوری مردم منجر شده است.

بر اساس آخرین برآوردهای صورت‌گرفته (عباسی‌شوازی و حسینی‌چاووشی، ۱۳۹۲: ۱۲۴) امروزه در ایران باروری پایین‌تر از سطح لازم برای جایگزینی نسل‌هاست. باروری پایین، در بیش‌تر استان‌ها و شهرستان‌های کشور پدیده‌ای فراگیر است. سطح باروری در استان کُردستان در سال ۱۳۹۰ معادل ۱/۸۴ فرزند برای هر مادر برآورد شده‌است. میزان متناظر در شهرستان‌های استان در دوره‌ی سه ساله‌ی ۱۳۹۰-۱۳۸۸، در دامنه‌ای در شهرستان بیجار دست‌کم بین ۱/۴۱ فرزند برای هر مادر و در بانه تا حداکثر ۲/۴۲ فرزند برای هر مادر در نوسان بوده است. میزان متناظر در شهرستان کامیاران پایین و معادل ۱/۹۸ فرزند برآورد شده است (همان: ۱۵۰). با توجه به زمینه‌های قومی - فرهنگی جامعه‌ی ایران، بازنگری، تدوین و اجرای موفق سیاست‌های جمعیتی برای جلوگیری از استمرار کاهش باروری و ارتقای آن، دست‌کم تا سطح جایگزینی، مستلزم آگاهی و شناخت از ترجیحات و تمایلات فرزندآوری زوج‌ها، عوامل مؤثر بر تمایلات فرزندآوری آن‌ها، و شناسایی زیرگروه‌های جمعیتی دارای تمایلات فرزندآوری پایین و بسیار پایین است.

کامیاران یکی از شهرستان‌های استان کُردستان با مرکزیت شهر کامیاران است. این شهرستان در جنوب استان کُردستان و در فاصله‌ی ۶۵ کیلومتری سنندج واقع شده است. شهر کامیاران در فاصله‌ی میان دو شهر سنندج و کرمانشاه قرار گرفته است. ساکنان این شهرستان از نظر تعلق قومی و مذهبی به ترتیب کُرد و پیرو مذهب‌های تسنن شافعی و تشیع می‌باشند. با توجه به ترکیب قومی و مذهبی جمعیت این شهرستان و نیز ویژگی‌های جمعیتی آن مانند باروری پایین‌تر از سطح جایگزینی، خود را با پرسش‌های

زیر مواجه می‌بینیم: آیا تمایلات فرزندآوری زنان شیعه و سنی با خاستگاه‌های قومی یکسان (کرد) متفاوت است؟ تعیین‌کننده‌های آن کدام‌اند؟ تمایلات فرزندآوری گروه‌های مذهبی تا چه اندازه بازتاب تفاوت‌های مذهبی در ویژگی‌های اقتصادی - اجتماعی، فرهنگی و جمعیتی آن‌هاست؟

پیشینه تحقیق

حسینی و بگی (۱۳۹۳) در بررسی تعیین‌کننده‌های تمایلات فرزندآوری زنان همسر دار شهر همدان نشان دادند که ۷۰/۷ درصد زنان تمایل ندارند علاوه بر فرزندانی که در زمان بررسی داشته‌اند فرزند دیگری داشته باشند. در این میان، ۵۵ و ۸۴/۳ درصد زنان به ترتیب دارای یک و دو فرزند بودند. بر پایه این بررسی، ۷۸/۴ درصد پاسخگویان، شمار مطلوب فرزند برای خانواده‌ها را دو فرزند عنوان کرده‌اند. نتایج تحلیل چندمتغیره نشان داد که احتمال توقف فرزندآوری در میان زنانی که شاغل‌اند بیش‌تر است، فرزندان در قید حیات بیش‌تری دارند، در پایان دوره تولیدمثل به سر می‌برند، منافع فرزندان را کم‌تر از هزینه‌های آن ارزیابی می‌کنند و گرایش کم‌تری به ترجیح فرزند پسر بر دختر دارند. یافته‌های عنایت و پرنیان (۱۳۹۲) در شهر شیراز نشان داد که تقریباً ۲۹ درصد از زنان گرایش به فرزندآوری دارند. در بررسی دیگری (حسینی و بگی، ۱۳۹۲) معلوم شد که کمی بیش از ۶۱ درصد زنان گرد شهر مهاباد قصد بر توقف فرزندآوری دارند. بررسی تمایلات فرزندآوری زنان بر حسب شمار فرزندان زنده (در حال حاضر) آن‌ها نشان داد ۳۹/۳ درصد زنان بدون فرزند یا با یک فرزند؛ ۷۷/۷ درصد زنان صاحب دو تا سه فرزند و ۸۶ درصد زنان دارای بیش از سه فرزند تمایل ندارند که فرزند دیگری داشته باشند. تحلیل‌های دو متغیره نشان داد که تفاوت معناداری بر حسب تمایلات فرزندآوری در میان زنان با ویژگی‌های اقتصادی - اجتماعی، جمعیتی و فرهنگی متفاوت وجود دارد. بر پایه این بررسی، مشخصه‌های فرهنگی به‌تنهایی نمی‌توانند نقش تعیین‌کننده‌ای در پیش‌بینی احتمال عدم تمایل به فرزندآوری داشته باشند. در واقع، ترکیبی از مشخصه‌های فرهنگی، اقتصادی و جمعیتی تبیین بهتری از تمایلات فرزندآوری زنان به دست می‌دهد.

رحیمی‌نژاد (۱۳۹۰) در تحلیل رفتار باروری و تمایلات فرزندآوری زوجین در شهرستان روانسر نشان داد که رفتار باروری زنان در گروه‌های هم‌دوره ازدواجی مختلف



با هم متفاوت بوده و گروه‌های هم‌دوره ازدواجی قدیمی‌تر، سطح باروری بالاتری نسبت به گروه‌های هم‌دوره ازدواجی اخیرتر داشته‌اند. باین‌حال، نوعی همگرایی در نگرش و افکار زنان در مورد شمار مطلوب فرزندان و تمایلات فرزندآوری آن‌ها وجود داشته‌است. عباسی‌شوازی و حسینی (۱۳۸۸) نشان دادند که گروه‌های قومی در طول دوره گذار باروری، سطوح متفاوت اما روندهای باروری مشابهی با سطوح و روندهای ملی تجربه کرده‌اند. بر پایه این بررسی، همگرایی باروری گروه‌های قومی در ایران پدیده جدیدی است که از سال‌های میانه دهه ۱۳۷۰ پدیدار گشته‌است. حسینی (۱۳۸۳) در بررسی و مقایسه رفتار باروری گروه‌های قومی و مذهبی در مناطق روستایی شهرستان قروه نشان داد که رابطه بین دو متغیر قومیت و باروری به لحاظ آماری معنادار و رابطه متغیر مذهب و باروری غیر معنادار است. یافته‌های این بررسی گویای آن است که تفاوت در باروری زنان گروه‌های قومی مورد بررسی در طول زمان کاهش یافته و نوعی همگرایی در رفتارهای باروری آن‌ها به وجود آمده‌است.

کرتزر و وایت^۱ (۲۰۰۹) دلایل کاهش باروری در ایتالیا را روی آوردن به شیوه‌های زندگی مدرن دنیوی می‌داند. برینگتون^۲ (۲۰۰۸) در بررسی تمایلات باروری و پیامدهای آن در بین زنان و مردان در لندن به شواهدی مبنی بر این که مردان در بریتانیا تمایل به داشتن خانواده‌های کوچک‌تر دارند؛ دست نیافت. او می‌گوید زنان تمایل دارند باروری آینده‌شان را بیش از واقعیت عنوان کنند و این به‌ویژه در مورد زنانی که بچه ندارند صادق است. داشتن یک شریک با تمایلات باروری متضاد و مخالف احتمالاً روی تولدهای آینده اثر می‌گذارد. فرزندآوری بیش‌تر مستلزم توافق زن و شوهر است. باین‌وجود، آنچه این بررسی نشان داد این است که در پیش‌بینی آینده باروری، تمایلات فرزندآوری زنان بدون بچه مهم‌تر از تمایلات همسرانشان است.

مبانی و چارچوب نظری

تبیین رفتارهای باروری و تغییرات آن بیش‌تر مبتنی بر رویکردهای مبتنی بر تبیین‌های انتخاب عقلانی و ساختاری و تبیین‌های هنجاری - فرهنگی است. نظریه‌های مبتنی بر تبیین‌های انتخاب عقلانی و ساختاری، در مجموع استدلال می‌کنند که در برش‌های

1. Kertzer & White
2. Barrington

زمانی خاصی در تاریخ یک کشور یا منطقه، شرایط ساختاری مانند شهرنشینی، صنعتی شدن، توسعه اقتصادی - اجتماعی و مشخصه‌های اقتصادی - اجتماعی و جمعیتی مثل سطح درآمد سرانه، مشارکت زنان در نیروی کار، سطح تحصیلات به ویژه تحصیلات زنان، میزان مرگ و میر اطفال، امید زندگی در بدو تولد و... فواید اقتصادی داشتن خانواده بزرگ و پرحجم را کاهش می‌دهد (حسینی، ۱۳۹۲: ۱۲۱-۱۲۰) و از طریق تأثیر بر تمایلات فرزندآوری افراد و خانوارها، زمینه‌های کاهش باروری و کم‌فرزندآوری را فراهم می‌کنند.

از میان نظریه‌های انتخاب عقلانی و تبیین ساختاری، برای تبیین رفتارهای باروری گروه‌های قومی و مذهبی به فرضیه مشخصه‌ها استناد می‌شود. بر اساس این فرضیه، تمایلات فرزندآوری و در نتیجه رفتار باروری گروه‌های قومی و مذهبی به تفاوت‌های موجود در ویژگی‌های اقتصادی - اجتماعی و جمعیت‌شناختی زنان و همسران آنها نسبت داده می‌شود (گلدشایدر و اولنبرگ^۱، ۱۹۶۹؛ اسپنشاد و یی^۲، ۱۹۹۴؛ جانسون^۳، ۱۹۷۹؛ پوستون^۴ و همکاران، ۲۰۰۶). در واقع، استدلال می‌شود در فرآیند نوسازی و گسترش ارتباط‌های اجتماعی، مرزبندی‌های قومی به هم می‌ریزد و در نتیجه همانندی در ویژگی‌های اقتصادی - اجتماعی، رفتارهای باروری گروه‌های مختلف قومی به سوی همگرایی میل می‌کند. ضعف مشاهده شده در رابطه بین شاخص‌های متعارف توسعه و باروری پژوهشگران و تحلیل‌گران بسیاری (گلدشایدر و اولنبرگ، ۱۹۶۹؛ ریچی^۵، ۱۹۷۵؛ رُزماری و همکاران^۶، ۱۹۸۱؛ دی^۷، ۱۹۸۴؛ فیشر و مارکوم^۸، ۱۹۸۴؛ بونگارت و واتکینز^۹، ۱۹۹۶؛ مک‌کوئیلان^{۱۰}، ۲۰۰۴) را به این باور رساند تا با به چالش کشیدن ارزیابی‌های اولیه اقتصادی از کاهش باروری استدلال کنند که نمی‌توان رفتارهای باروری را با استفاده از رویکردهای مبتنی بر مدل‌های انتخاب عقلانی و تبیین ساختاری تبیین کرد.

-
1. Goldscheider and Uhlenberg
 2. Spenshade and Ye
 3. Johnson
 4. Poston
 5. Ritchey
 6. Rosemary
 7. Day
 8. Fischer & Marcum
 9. Bongaarts and Watkins
 10. McQuillan



در نتیجه، جست‌وجو برای تبیین‌های جایگزین آغاز شد و برای پُر کردن این خلأ، تبیین‌های هنجاری - فرهنگی باروری ارائه شد.

برخلاف رویکرد انتخاب عقلانی که بیش‌تر بر اهمیت تغییرات ساختاری تأکید می‌کند، در رویکرد اشاعه استدلال می‌شود که وقتی افراد اهمیت خانواده‌های کوچک را درک کنند، استفاده از وسایل پیش‌گیری از حاملگی را بپذیرند و باور کنند که اختیار زندگی‌شان تا اندازه‌ای دست خودشان است، رفتارهای باروری می‌تواند مطابق شرایط مختلف اقتصادی - اجتماعی تغییر کند (حسینی، ۱۳۹۲: ۱۳۵). در رویکرد تأثیر قومی - فرهنگی، رفتارهای باروری گروه‌های قومی و مذهبی در قالب ارزش‌ها و هنجارهای خرده‌فرهنگی تبیین می‌شود و می‌گوید هر گروه قومی و مذهبی به خاطر ارزش‌های فرهنگی و مذهبی خاص خود، رفتارهای باروری متفاوتی را تجربه می‌کند. در فرهنگ بعضی گروه‌های قومی و مذهبی ممکن است داشتن خانواده‌های بزرگ و پُرحجم نوعی ارزش باشد، کاربرد روش‌های معینی از کنترل موالید ممنوع باشد، افراد و خانواده‌ها گرایش زیادی به ترجیح فرزند پسر بر دختر داشته باشند، زنان در تصمیم‌گیری‌های باروری استقلال کم‌تری داشته باشند و یا در رفتارهای باروری‌شان به شدت تقدیرگرا باشند. در نتیجه، انتظار می‌رود افراد متعلق به یک گروه قومی یا مذهبی، با وجود ویژگی‌های اقتصادی - اجتماعی متفاوت، رفتارها، ایده‌آل‌ها و تمایلات فرزندآوری یکسانی را تجربه کنند. در این فرضیه که از آن با عنوان فرضیه خرده‌فرهنگی یا تأثیر هنجاری نیز یاد می‌کنند (لوپز و صباغ^۱، ۱۹۷۸: ۱۴۹۲) بر تأثیر خرده‌فرهنگ‌ها در رفتارهای باروری گروه‌های قومی تأکید می‌شود. در واقع، مطابق این فرضیه رفتارهای باروری گروه‌های قومی بازتاب اهمیت و نفوذ میراث فرهنگی مشترک آن‌هاست. به تعبیر همل «... فرهنگ تبیین می‌کند که چرا افراد در جوامعی که به‌ظاهر از نظر اقتصادی در شرایط یکسانی بسر می‌برند، اما از نظر آداب‌ورسوم و زبان متفاوت‌اند، عملکردهای جمعیتی متفاوتی دارند. فرهنگ می‌تواند توضیح دهد چرا باوجود تغییر شرایط اقتصادی و اجتماعی، جمعیت یک منطقه در طول زمان از نظر جمعیت‌شناختی یکسان عمل می‌کند. به‌کارگیری فرهنگ به‌عنوان مبنای تحلیل می‌تواند زمینه‌های تبیین را به سطحی بالاتر ارتقاء دهد ...» (همل^۲، ۱۹۹۰).

چارچوب نظری این مقاله ترکیبی از رویکردهای مبتنی بر تبیین‌های انتخاب عقلانی- ساختاری (به‌طور مشخص فرضیه همانندی مشخصه‌ها) و تبیین هنجاری- فرهنگی است. چون هدف بررسی و تبیین تمایلات فرزندآوری دو زیرگروه جمعیتی شیعه و سنی است، استدلال نویسندگان مقاله این است که تفاوت گروه‌های مذهبی در مشخصه‌های اقتصادی- اجتماعی به‌تنهایی نمی‌تواند تبیین‌کننده تفاوت‌های موجود در تمایلات فرزندآوری زنان شیعه و سنی باشد. ارزش‌ها و هنجارهای قومی و مذهبی در حال، به‌مثابه یک سرعت‌گیر بر سر راه نیروهای مرتبط با نوسازی و توسعه اقتصادی- اجتماعی عمل می‌کنند. در واقع، همیشه درجه‌ای از عاملیت نیز در محل وجود دارد. در نتیجه، زنان شیعه و سنی به خاطر ترکیب‌های همگن و متجانس درون- مذهبی، با پیشامدگی‌های متفاوت در معرض تأثیر نیروها و عوامل تغییر قرار می‌گیرند. بنابراین، انتظار می‌رود در بستر اقتصادی- اجتماعی و فرهنگی- مذهبی کامیاران، زنان این دو گروه مذهبی تمایلات فرزندآوری متفاوتی را داشته باشند.

روش پژوهش

روش پژوهش پیمایشی است. جمعیت آماری زنان ۴۹-۱۵ ساله شیعه و سنی همسر دار ساکن در خانوارهای معمولی مناطق روستایی شهرستان کامیاران است. شهرستان کامیاران به دو بخش مرکزی و موحش تقسیم شده است. بخش مرکزی متشکل از سه دهستان بیلوار، ژاورود و شاهو و بخش موحش هم از چهار دهستان امیرآباد، سورسور، عوالان و گاورود تشکیل شده است. ساکنان دهستان بیلوار اهل تشیع و ساکنان سایر دهستان‌ها سنی مذهبند. بر اساس نتایج سرشماری عمومی نفوس و مسکن ۱۳۹۰، شهرستان کامیاران در مجموع دارای ۱۵۶ روستا می‌باشد که در دهستان‌های هفتگانه توزیع شده‌اند.

برای برآورد حجم نمونه، از نتایج سرشماری عمومی نفوس و مسکن ۱۳۹۰ شهرستان کامیاران استفاده شد. ابتدا، شمار خانوارهای شیعه ساکن در مناطق روستایی از نتایج سرشماری ۱۳۹۰ استخراج و با استفاده از فرمول کوکران حجم نمونه‌ای معادل ۲۵۰ خانوار با مذهب تشیع برآورد شد. با توجه به ماهیت مقایسه‌ای بودن تحقیق، به همان تعداد خانوار سنی مذهب نیز در نظر گرفته شد. به‌این ترتیب، حجم نمونه ۵۰۰ خانوار تعیین شد. در مرحله بعد، متناسب با سهم هر روستا از مجموع خانوارهای ساکن



در نقاط روستایی کامیاران، سهم خانوارهای نمونه در روستاهای شیعه و سنی مذهب مشخص شد. در نهایت، به شیوه تصادفی سیستماتیک خانوارهای نمونه را در روستاهای مورد بررسی انتخاب و با مراجعه به خانوار، از طریق پرسش‌نامه ساخت یافته و مصاحبه با زن واجد شرایط بررسی در خانوار^۱، اقدام به تکمیل پرسش‌نامه‌ها شد. انتخاب روستاها از میان دهستان‌های هفتگانه با در نظر گرفتن معیارهایی چون دوری و نزدیکی به مرکز شهر و دسترسی آسان‌تر به منطقه روستایی صورت گرفت. با در نظر گرفتن معیارهای فوق، نمونه‌گیری از مناطق روستایی به صورت تصادفی و از میان روستاهای دارای دست‌کم ۲۰ خانوار صورت گرفت.

متغیر وابسته تمایلات فرزندآوری زنان است. این متغیر در سطح سنجش اسمی و با استفاده از پرسش «آیا به جز فرزندی که الان دارید، تمایل دارید فرزند دیگری داشته باشید؟» عملیاتی شد. پاسخ‌ها در دو مقوله «تمایل دارم» و «تمایل ندارم» بسته شد. متغیرهای مستقل نیز به سه دسته مشخصه‌های اقتصادی - اجتماعی، مشخصه‌های فرهنگی و مشخصه‌های جمعیتی دسته‌بندی شدند. جدول ۱ متغیرها و شاخص‌های تحلیل را نشان می‌دهد.

جدول ۱. متغیرها و شاخص‌های تحلیل به تفکیک متغیرهای مستقل و وابسته

معرف	نوع متغیر
	متغیرهای مستقل
پایگاه اقتصادی - اجتماعی، استفاده از وسایل ارتباط جمعی	۱ مشخصه‌های اقتصادی - اجتماعی
سن زن در اولین ازدواج، شمار فرزندان در حال حاضر زنده، شمار فرزندان ایده‌آل	۲ مشخصه‌های جمعیتی
استقلال زنان، تقدیرگرایی در رفتار باروری، منافع فرزندان، مذهب، گرایش به ترجیح جنسی	۳ مشخصه‌های فرهنگی - مذهبی
	متغیر وابسته: تمایلات فرزندآوری

۱. منظور زنان ازدواج کرده همسر دار ۴۹-۱۵ ساله است. اگر در خانواری بیش از یک زن واجد شرایط بررسی می‌بود، مصاحبه با زنی که همسر سرپرست خانوار بود انجام می‌شد.

شاخص پایگاه اقتصادی - اجتماعی ترکیبی از متغیرهای تحصیلات زن، منزلت شغلی همسر، مالکیت مسکن و درآمد ماهیانه خانوار است. برای سنجش متغیر استفاده از وسایل ارتباط جمعی از مؤلفه‌هایی چون میزان استفاده از کتاب، مجله‌ها و نشریه‌های علمی - فرهنگی و همچنین میزان استفاده از اینترنت، تلویزیون و رادیو استفاده شده است. مشخصه‌های فرهنگی شامل تقدیرگرایی در رفتار باروری، نگرش نسبت به منافع فرزندان، گرایش به ترجیح جنسی و استقلال زنان در خانواده است. استقلال زنان در این پژوهش در سه بُعد استقلال فیزیکی، استقلال تصمیم‌گیری در زمینه رفتارهای جمعیتی و استقلال در سایر جنبه‌های زندگی عملیاتی شد. برای عملیاتی کردن سایر مشخصه‌های فرهنگی مانند تقدیرگرایی در رفتار باروری، گرایش به ترجیح جنسی و نگرش نسبت به منافع فرزندان، گویه‌هایی در قالب طیف لیکرت به پاسخگویان ارائه شد. دسته سوم از متغیرهای مستقل مشخصه‌های جمعیتی است که شامل سن زن در اولین ازدواج، شمار فرزندان در قید حیات^۱ و شمار فرزندان ایده‌آل است. در تحلیل داده‌ها از آزمون‌های تی و کای اسکور استفاده شد. به منظور تعیین تأثیر هر یک از متغیرهای مستقل بر متغیر وابسته، با توجه به سطح سنجش متغیر وابسته، از تکنیک رگرسیون لجستیک استفاده گردید.

یافته‌های توصیفی

در ارائه نتایج، ابتدا تمایلات فرزندآوری زنان شیعه و سنی را بررسی، سپس مشخصه‌های اقتصادی - اجتماعی، جمعیتی و فرهنگی پاسخگویان برحسب مذهب به صورت کلی توصیف می‌شود. در نهایت، به تحلیل چند متغیره تعیین‌کننده‌های تمایلات فرزندآوری زنان شیعه و سنی پرداخته می‌شود.

تمایلات فرزندآوری

اطلاعات مندرج در جدول ۲ از عمومیت بالای عدم تمایل به فرزندآوری در گروه‌های مذهبی مورد بررسی حکایت دارد. باین وجود، تمایل به فرزندآوری در میان زنان اهل سنت چهار واحد درصد بیش‌تر از زنان شیعه‌مذهب است. تحلیل‌های بیش‌تر^۲ نشان داد

1. Children Surviving

۲. اطلاعات در جدول ارائه نشده است.



که در هر دو گروه مذهبی، نسبت قابل توجهی از زنان اظهار داشته‌اند که تمایل دارند فقط یک فرزند دیگر به فرزندان در قید حیاتشان اضافه کنند. این نسبت در میان زنان سنی و شیعه به ترتیب ۶۶/۴ درصد و ۶۲ درصد است.

جدول ۲. توزیع فراوانی پاسخگویان برحسب تمایل به فرزندآوری در گروه‌های مذهبی شیعه و سنی،

سنی		شیعه		تمایل به فرزندآوری
درصد	فراوانی مطلق	درصد	فراوانی مطلق	
۴۴	۱۱۰	۴۰	۱۰۰	دارد
۵۶	۱۴۰	۶۰	۱۵۰	ندارد
۱۰۰	۲۵۰	۱۰۰/۰	۲۵۰	جمع

تحلیل هم‌گروه^۱ تمایلات فرزندآوری زنان شیعه و سنی نیز نشان داد که در هر دو گروه مذهبی زنان متعلق به گروه‌های هم‌دوره ازدواجی دهه ۱۳۶۰ و پیش از آن و دهه ۱۳۷۰ در مقایسه با زنان متعلق به گروه هم‌دوره ازدواجی دهه ۱۳۸۰ تمایل کمتری برای فرزندآوری دارند. این وضعیت ناشی از این واقعیت است که این گروه از زنان شمار فرزندان ایده‌آل خود را به دنیا آورده و به شمار فرزندان مطلوب و دلخواهشان دست یافته‌اند. بنابراین، تردیدی باقی نمی‌ماند که برنامه‌ها و سیاست‌های جمعیتی دولت برای افزایش مولید باید معطوف به زنان و زوج‌های جوانی باشد که تمایل به فرزندآوری دارند ولی به دلایل مختلف آن را به تعویق می‌اندازند. بنابراین، نمی‌توان امیدوار بود که بسته‌های تشویقی برای افزایش مولید، زنان متعلق به گروه‌های هم‌دوره ازدواجی مختلف را یکسان تحت تأثیر قرار داده و به افزایش مولید در میان همه زنان واقع در دامنه سنی تولیدمثل منجر شود.

مشخصه‌های اقتصادی - اجتماعی، فرهنگی و جمعیتی زنان شیعه و سنی

بر اساس نتایج این بررسی، میانگین سن زنان شیعه و سنی در هنگام بررسی به ترتیب ۳۲/۶۱ و ۳۲/۵۴ سال است. میانگین سن ازدواج زنان هر دو گروه مذهبی نیز حدود ۲۰

سال بوده است. متوسط زنده‌زایی نکاحی در میان زنان سنی مذهب (۲/۱۲ فرزند) کمی بیش‌تر از زنان شیعه (۲/۰۶ فرزند) است. اگرچه میانگین شمار فرزندان در قید حیات زنان گروه‌های مذهبی مورد بررسی تفاوت معناداری باهم ندارد (۱/۹۲ فرزند برای زنان شیعه در مقابل ۲/۰۱ فرزند در میان زنان اهل سنت)، ولی ۶۲/۸ درصد زنان شیعه اظهار داشته‌اند که دارای یک یا دو فرزند در قید حیات می‌باشند. در مقابل، نسبت بیش‌تری از زنان اهل سنت (۲۹/۲ درصد در مقابل ۲۴/۴ درصد) گفته‌اند که شمار فرزندان در قید حیات آن‌ها سه فرزند و بیش‌تر است (جدول ۳).

جدول ۳. توزیع فراوانی زنان شیعه و سنی برحسب برخی

مشخصه‌های جمعیتی و پایگاه اقتصادی - اجتماعی

متغیر	سطوح متغیر	شیعه		سنی	
		درصد	فراوانی	درصد	فراوانی
شمار فرزندان در قید حیات	بدون فرزند	۳۲	۱۲/۸	۳۵	۱۴/۰
	یک فرزند	۶۲	۲۴/۸	۶۸	۲۷/۲
	دو فرزند	۹۵	۳۸/۰	۷۴	۲۹/۶
	سه فرزند و بیش‌تر	۶۱	۲۴/۴	۷۳	۲۹/۲
	جمع	۲۵۰	۱۰۰	۲۵۰	۱۰۰
پایگاه اقتصادی - اجتماعی	پایین	۱۵۳	۶۱/۲	۱۴۰	۵۶
	متوسط	۸۱	۳۲/۴	۸۸	۳۵/۲
	بالا	۱۶	۶/۴	۲۲	۸/۸
	جمع	۲۵۰	۱۰۰	۲۵۰	۱۰۰
	شمار فرزندان ایده‌آل	بدون فرزند	۱۲	۴/۸	۱۷
یک فرزند		۵۳	۲۱/۲	۳۴	۱۳/۶
دو فرزند		۱۳۰	۵۲/۰	۱۶۵	۶۶
سه فرزند و بیش‌تر		۵۵	۲۲/۰	۳۴	۱۳/۶
جمع		۲۵۰	۱۰۰	۲۵۰	۱۰۰



بر پایه اطلاعات مندرج در جدول ۳، در هر دو گروه مذهبی، نسبت درصد بیش‌تری از زنان از پایگاه اقتصادی - اجتماعی پایینی برخوردارند. هرچند میانگین شمار فرزندان ایده‌آل زنان شیعه و سنی در زمان بررسی به ترتیب با ۲/۰۳ و ۱/۹۲ فرزند تفاوت معناداری باهم ندارد، اما توزیع زنان گروه‌های مذهبی برحسب مقوله‌های شمار فرزندان ایده‌آل نشان می‌دهد که نسبت درصد زنان شیعه‌ای که سه فرزند و بیش‌تر را ایده‌آل می‌دانند (۲۲ درصد) به مراتب بیش‌تر از نسبت متناظر (۱۳/۶ درصد) در میان زنان اهل سنت است.

جدول ۴، توزیع جمعیت نمونه (شیعه و سنی) را برحسب برخی از مشخصه‌های اقتصادی - اجتماعی و فرهنگی نشان می‌دهد. نتایج حاکی است که زنان هر دو گروه مذهبی به میزان تقریباً یکسانی از وسایل ارتباط جمعی استفاده می‌کنند. نمرات شاخص در دامنه‌ای دست‌کم بین ۰ و حداکثر ۲۰ نوسان دارد. چنانچه پاسخگویی نمره ۲۰ کسب کند، از وسایل ارتباط جمعی بیش‌ترین میزان استفاده را می‌کند. همان‌طور که در جدول ۴ می‌بینید، میانگین نمره شاخص در هر دو گروه مذهبی تقریباً برابر است.

جدول ۴. میانگین، حداقل و حداکثر برخی از شاخص‌های

اقتصادی - اجتماعی و فرهنگی برحسب مذهب

متغیر	مذهب	میانگین	حداقل	حداکثر
وسایل ارتباط جمعی	شیعه	۳/۸	۰	۱۰
	سنی	۴/۰	۰	۱۳
گرایش به ترجیح جنسی	شیعه	۲۴	۹	۳۹
	سنی	۲۲/۸۲	۹	۴۵
نگرش نسبت به منافع فرزندان	شیعه	۱۶/۰۵	۷	۲۶
	سنی	۱۵/۱۷	۶	۲۷
تقدیرگرایی در رفتار باروری	شیعه	۱۹/۹۸	۷	۳۰
	سنی	۲۰/۱۶	۶	۳۰
استقلال زنان	شیعه	۳۷/۲۳	۲۴	۵۴
	سنی	۳۷/۴۰	۲۲	۴۴

اطلاعات جدول ۴ نشان می‌دهد میانگین نمره شاخص‌های قومی - فرهنگی در هر دو گروه مذهبی نزدیک به هم تفاوت‌ها چشم‌گیر نیست. این نتیجه می‌تواند ناشی از این واقعیت باشد که زنان گروه‌های مذهبی مورد بررسی، از نظر قومی خاستگاه یکسانی دارند و هر دو گرد می‌باشند. اگرچه تفاوت چشم‌گیری بین میانگین نمره‌های این شاخص‌ها وجود ندارد، اما میانگین نمره شاخص‌های گرایش به ترجیح جنسی و نگرش نسبت به منافع فرزندان در میان زنان شیعه بیش‌تر و در مقابل، میانگین نمرات شاخص‌های تقدیرگرایی در رفتار باروری و استقلال زنان در خانواده برای زنان سنی اندکی بیش‌تر از زنان شیعه است. تحلیل هم‌گروه مشخصه‌های فرهنگی نشان داد که در همه شاخص‌ها تفاوت آماری معناداری بین متولدین هم‌دوره دهه ۱۳۴۰ با همتایانشان در دهه‌های ۱۳۵۰ و ۱۳۶۰ و بعدازآن وجود دارد.

تحلیل چندمتغیره

اکنون می‌خواهیم به این پرسش پاسخ دهیم که پیش‌بینی کننده‌های تمایلات فرزندآوری زنان شیعه و سنی در منطقه مورد بررسی کدام‌اند؟ آیا نقش عوامل اقتصادی - اجتماعی، جمعیتی و فرهنگی در پیش‌بینی احتمال تمایل زنان شیعه و سنی به فرزندآوری یکسان است؟ برای این منظور، با توجه به سطح سنجش متغیر وابسته (اسمی دووجهی)، از تکنیک رگرسیون لجستیک استفاده شد. برای زنان هر گروه مذهبی سه مدل برآورد شد. این مدل‌ها، احتمال پیش‌بینی هر یک از متغیرهای مستقلی را که شرایط ورود به معادله را داشتند بر تمایل زنان شیعه و سنی به فرزندآوری نشان می‌دهد (جدول ۵). در مدل ۱، متغیرهای اقتصادی - اجتماعی وارد تحلیل رگرسیونی شدند. سپس، متغیرهای فرهنگی و جمعیتی به ترتیب وارد مدل‌های ۲ و ۳ شدند تا تأثیر همزمان مجموع متغیرهای مورد بررسی در پیش‌بینی احتمال تمایل زنان شیعه و سنی به فرزندآوری ارزیابی شود. جدول (۵) کسرهای برتری^۱ به‌دست‌آمده از اجرای مدل رگرسیون لجستیک را نشان می‌دهد.

در مدل ۱، تأثیر همزمان پایگاه اقتصادی - اجتماعی و میزان استفاده از وسایل ارتباط‌جمعی بر احتمال تمایل زنان به فرزندآوری بررسی شده است. نتایج گویای آن است که متغیر پایگاه اقتصادی - اجتماعی احتمال تمایل به فرزندآوری را در میان زنان

1. Odds Ratio



شیعه و سنی تحت تأثیر قرار می‌دهد. کسر برتری متغیر پایگاه اقتصادی - اجتماعی نشان می‌دهد که زنان شیعه با پایگاه اقتصادی - اجتماعی بالا ۲/۰۲۷ و با پایگاه اقتصادی - اجتماعی متوسط ۲/۲۱ برابر و زنان سنی با پایگاه اقتصادی - اجتماعی بالا ۳/۰۲۹ برابر بیش از زنان طبقه مرجع احتمال دارد که علاوه بر فرزندانی که در زمان بررسی داشته‌اند، فرزند دیگری به دنیا بیاورند. متغیر میزان استفاده از وسایل ارتباط جمعی، تأثیر متفاوتی در پیش‌بینی احتمال تمایل به فرزندآوری در میان زنان شیعه و سنی دارد. این تأثیر تنها در میان زنان شیعه معنادار است. همان‌طور که در جدول ۵ می‌بینید، قرار گرفتن زنان سنی در هر یک از طبقات استفاده از وسایل ارتباط جمعی احتمال تمایل به فرزندآوری را تغییر نمی‌دهد. آن دسته از زنان شیعه‌مذهب که به میزان زیاد و متوسط از وسایل ارتباط جمعی استفاده می‌کنند، به ترتیب ۳/۰۲۹ برابر و ۲/۸۷۹ برابر بیش‌تر از زنانی که کم‌تر استفاده می‌کنند احتمال دارد فرزند دیگری به دنیا بیاورند.

در مدل ۲، استقلال زنان وارد تحلیل رگرسیونی شد. در مقایسه با مدل اول، تغییری در سطح معناداری مشخصه‌های اقتصادی - اجتماعی به وجود نیامد. البته، بر مقدار کسر برتری آن‌ها افزوده شده و زنان شیعه با پایگاه اقتصادی - اجتماعی بالا و متوسط به ترتیب ۲/۲۶۳ و ۲/۶۹۱ برابر و با استفاده از وسایل ارتباط جمعی در سطح بالا و متوسط به ترتیب ۲/۶۳۵ و ۲/۳۵ برابر و در میان زنان سنی با پایگاه اقتصادی - اجتماعی بالا، ۳/۰۶۷ برابر بیش‌تر از طبقه مرجع احتمال دارد که تمایل به فرزندآوری داشته باشند. نتایج نشان می‌دهد که در کنار ویژگی‌های اقتصادی - اجتماعی، استقلال زنان تأثیر معناداری در پیش‌بینی احتمال تمایل به فرزندآوری زنان هر دو گروه مذهبی دارد. مقدار کسر برتری متغیر استقلال زنان بیانگر آن است که تغییرات آن در جهت مخالف با تغییرات متغیر وابسته است؛ بدین معنی که با افزایش استقلال زنان، احتمال تمایل به فرزندآوری کاهش می‌یابد. آن دسته از زنان شیعه که دارای استقلال متوسط و زیادی در خانواده هستند، به ترتیب ۰/۲۹۲ و ۰/۲۶۳ برابر کم‌تر از زنانی که استقلال کمی دارند احتمال دارد که فرزندآوری را ادامه دهند. نتیجه مشابهی در میان زنان سنی به دست آمد، با این تفاوت که تأثیر این متغیر تنها در میان زنان دارای میزان زیادی از استقلال معنادار است.

در مدل ۳، دو متغیر جمعیتی سن زن در اولین ازدواج و شمار فرزندان در قید حیات وارد تحلیل رگرسیونی شدند. با ورود این دو متغیر به تحلیل، پایگاه اقتصادی - اجتماعی و میزان استفاده از وسایل ارتباط جمعی که در مدل ۲ تأثیر معناداری در پیش‌بینی احتمال تمایل به فرزندآوری داشتند، معناداری خود را در میان زنان هر دو گروه مذهبی از دست دادند. با این وجود، متغیر استقلال زنان همچنان تأثیر معناداری در پیش‌بینی کسر برتری متغیر وابسته دارد. در کنار مشخصه‌های اقتصادی - اجتماعی و فرهنگی، متغیر جمعیتی سن ازدواج تأثیر معناداری در پیش‌بینی کسر برتری متغیر وابسته ندارد. شمار فرزندان در قید حیات تنها متغیر جمعیتی است که تأثیر آن در هر دو گروه شیعه و سنی معنادار است. به بیان دیگر، با افزایش شمار فرزندان در قید حیات، احتمال تمایل به فرزندآوری در میان زنان شیعه و سنی به ترتیب $0/094$ و $0/073$ برابر کاهش می‌یابد.

به طور کلی، آنچه از نتایج تحلیل چندمتغیره برمی‌آید این است که مشخصه‌های اقتصادی - اجتماعی به‌تنهایی قادر به پیش‌بینی احتمال تمایل به فرزندآوری نیستند. مقدار آماره Nagelkerk R Square در مدل ۱ ($0/111$ و $0/094$) گویای آن است که مشخصه‌های اقتصادی - اجتماعی به‌تنهایی $11/1$ درصد و $9/4$ درصد تغییرات تمایل به فرزندآوری را به ترتیب در میان زنان شیعه و سنی تبیین می‌کنند. این امر دو دلیل عمده دارد؛ ۱) همه مشخصه‌های اقتصادی - اجتماعی تبیین‌کننده تمایلات فرزندآوری زنان تنها محدود به متغیرهایی نمی‌شود که در این مقاله به آن‌ها پرداخته شده است؛ ۲) نمی‌توان منکر تأثیر تعیین‌کننده‌های فرهنگی و جمعیتی در کنار ویژگی‌های اقتصادی - اجتماعی در تبیین تمایلات فرزندآوری زنان بود. مقدار آماره Nagelkerk R Square در مدل‌های ۲ و ۳ نشان می‌دهد که ترکیبی از مشخصه‌های اقتصادی - اجتماعی، فرهنگی و جمعیتی تبیین بهتری به دست می‌دهد، به طوری که در مدل ۲ مقدار این آماره در میان زنان شیعه و سنی به ترتیب $20/1$ و $13/1$ درصد تغییرات تمایلات فرزندآوری زنان را تبیین می‌کنند. در مدل ۳ نیز مجموع متغیرهای بررسی شده توانسته‌اند به ترتیب $59/9$ و $67/4$ درصد تمایلات فرزندآوری زنان شیعه و سنی را تبیین کنند. این نتایج، همسو با نتایجی است که حسینی و بگی (۱۳۹۲)، حسینی (۱۳۸۷)، عباسی شوازی و حسینی (۱۳۸۸) در تبیین تمایلات فرزندآوری زنان به دست آوردند. استدلال همه آن‌ها این بود که اتخاذ یک رویکرد ترکیبی برای تبیین



رفتارهای باروری گروه‌های قومی - فرهنگی و مذهبی، تبیین بهتری در مقایسه با رویکرد همانندی مشخصه‌ها و رویکرد هنجاری - فرهنگی به دست می‌دهد.

جدول ۵. پیش‌بینی احتمال تمایل به فرزندآوری با استفاده از مدل رگرسیون لجستیک برای زنان شیعه و سنی ساکن در مناطق روستایی شهرستان کامیاران

متغیر	سنی			شیعه		
	مدل ۳	مدل ۲	مدل ۱	مدل ۳	مدل ۲	مدل ۱
	Sig	Exp (B)	Sig	Exp (B)	Sig	Exp (B)
پایگاه اقتصادی اجتماعی	ns	۰/۵۶۳	ns	۱/۶۸۲	**	۲/۶۹۱
	ns	۰/۶۸۶	**	۳/۰۲۹	**	۲/۴۶۳
	ns	۱/۲۶۳	ns	۱/۴۴۱	**	۲/۵۲۹
استفاده از وسایل ارتباط‌جمعی	ns	۰/۵۶۵	ns	۱/۵۱۱	**	۲/۸۷
	ns	۰/۵۸۸	ns	۰/۵۳۶	**	۰/۴۹۲
استفاد زنان	**	۰/۲۵۲	**	۰/۲۵۱	**	۰/۲۶۳
	ns	۰/۹۱۳	ns	۰/۹۸	ns	۰/۹۸
سن در اولین ازدواج	**	۰/۰۷۳	**	۱/۰۹۴	**	۰/۱۹۸
	**	۰/۰۷۳	**	۰/۳۴۱	**	۰/۴۳۴
شمار فرزندان در قید حیات	**	۰/۰۷۳	**	۰/۳۴۱	**	۰/۴۳۴
	**	۰/۰۷۳	**	۰/۳۴۱	**	۰/۴۳۴
مقدار ثابت	۸۷	۶۶۷	۶۳	۸۳۲	۶۷۹	۶۱۸
درصد درستی	۱۷۱/۵۸۱	۲۵۲/۱۵	۱۷۷/۹۷	۱۴۲/۸۲۲	۳۹/۵	۲۱/۰۴۵
Chi-Square	۱۶۴/۷۳۴	۳۱۱/۰۹۹	۳۱۸/۵۱۷	۱۸۵/۱۱۵	۲۹۱/۲۹۴	۳۰۹/۷۵
-2 Log Likelihood	۰/۶۷۴	۰/۱۳۱	۰/۰۹۴	۰/۵۹۹	۰/۲۰۱	۰/۱۱۱
Nagelkerk R Square						

بحث و نتیجه‌گیری

تحولات جمعیت ایران در طول چند دهه گذشته، به‌ویژه در سال‌های پس از پیروزی انقلاب اسلامی، گسترده و چشم‌گیر بوده‌است. بررسی‌ها حاکی از آن است که باوجود تنوع در شرایط اقتصادی - اجتماعی و فرهنگی استان‌های ایران، نوعی همگرایی در رفتارهای باروری به وجود آمده‌است. برآوردها نشان می‌دهد که امروزه در ایران باروری زیر سطح جایگزینی فراگیر شده‌است. درواقع، می‌توان گفت هدف برنامه تنظیم خانواده در زمینه تعدیل نرخ رشد جمعیت سالانه و کنترل مولید، حتی زودتر از زمان پیش‌بینی شده، محقق شده‌است. اگرچه بازنگری در سیاست جمعیتی مصوب سال‌های اواخر دهه ۱۳۶۰ و اوایل دهه ۱۳۷۰ در دستور کار سیاست‌گذاران و برنامه‌ریزان قرار گرفته‌است، اما هنوز به‌طور رسمی هیچ هدف جمعیتی جدید و مشخصی برای آینده تعیین و ترسیم نشده‌است! درواقع، میان صاحب‌نظران، سیاست‌گذاران و برنامه‌ریزان هنوز در مورد این که چه جمعیتی با چه ویژگی‌هایی مطلوب این سرزمین است اختلاف نظر وجود دارد. به بیان دیگر، هنوز نقطه عزیمت سیاست‌گذاران از نظر تحولات جمعیتی مشخص نیست. در نتیجه، پرسشی که خود را با آن مواجه می‌بینیم این است: سیاست جمعیتی مناسب برای جامعه ایران، در شرایط کنونی، کدام است؟

بی‌تردید، هرگونه برنامه‌ریزی و اقدام عملی برای جلوگیری از کاهش بیش‌تر باروری و ارتقای آن تا بالاتر از سطح جایگزینی، با توجه به زمینه‌های قومی - فرهنگی و مذهبی جامعه ایران و نیز این واقعیت که این گروه‌ها با پیش‌آمدگی‌های متفاوت در معرض تأثیر نیروهای نوسازی و توسعه اقتصادی - اجتماعی قرار گرفته‌اند، مستلزم بررسی تمایلات فرزندآوری زنان و تعیین‌کننده‌های آن در بسترهای گوناگون اقتصادی - اجتماعی و فرهنگی است.

شهرستان کامیاران نیز، همان‌طور که گفته شد، باروری زیر سطح جایگزینی را تجربه می‌کند. ترکیب قومی و مذهبی این شهرستان، آن را به بستر مناسبی جهت بررسی تمایلات فرزندآوری زنان گروه‌های قومی و مذهبی تبدیل کرده‌است. این مقاله، باهدف بررسی و تبیین تمایلات فرزندآوری زنان شیعه و سنی ساکن در مناطق روستایی شهرستان کامیاران سازمان‌دهی شد. نتایج نشان داد که تمایل به فرزندآوری در هر دو گروه مذهبی پایین است، ولی زنان سنی مذهب در مقایسه با هم‌تایان شیعه تمایل بیشتری به فرزندآوری دارند. در میان زنانی که تمایل به فرزندآوری دارند، در هر



دو گروه مذهبی بیش‌ترین نسبت اظهار داشته‌اند که تمایل دارند یک فرزند دیگر داشته باشند (۶۶/۴ درصد اهل سنت در مقابل ۶۲ درصد اهل تشیع). تمایل به فرزندآوری در گروه‌های هم‌دوره از دواجی اخیرتر (گروه هم‌دوره از دواجی دهه ۱۳۸۰) در هر دو گروه مذهبی بیش‌تر است. بر اساس این نتایج، اگرچه نوعی همگرایی در تمایل به فرزندآوری پایین در میان زنان شیعه و سنی کامیاران شکل گرفته است، ولی تمایل به فرزندآوری در میان زنان اهل سنت بیش‌تر از زنان شیعه‌مذهب است.

نتایج تحلیل چندمتغیره نشان داد که ترکیبی از مشخصه‌های فرهنگی، اقتصادی - اجتماعی و جمعیتی مورد بررسی نقش تعیین‌کننده و معناداری در پیش‌بینی احتمال تمایل به فرزندآوری در میان زنان دارند، به‌طوری‌که در مجموع ۵۹/۹ و ۶۷/۴ درصد واریانس تمایلات فرزندآوری زنان شیعه و سنی را به ترتیب ترکیبی از این متغیرها تبیین می‌کند. بر اساس این یافته‌ها، مشخصه‌های اقتصادی - اجتماعی تأثیر مستقل معناداری در تمایلات فرزندآوری، دست‌کم در نمونه مورد بررسی، ندارند. بنابراین، تبیین تمایلات فرزندآوری زنان در زمینه‌های گوناگون اقتصادی - اجتماعی بدون توجه به عوامل قومی - فرهنگی و جمعیتی نمی‌تواند تبیین درست و دقیقی از واقعیت مطالعه شده به‌دست دهد. هرچند برنامه تنظیم خانواده نقش مؤثری در سرعت کاهش باروری و استمرار آن از نیمه دهه ۱۳۶۰ به بعد داشته است، اما فرآیند گذار باروری در ایران متناسب با تحولاتی بوده‌است که در ابعاد مختلف اقتصادی - اجتماعی و نیز برخی از ابعاد سنتی خانواده به وقوع پیوسته و به تغییراتی در ایستارهای مرتبط با ازدواج و در نهایت، رفتار، ایده‌آل‌ها و تمایلات فرزندآوری مردم منجر شده است (عباسی شوازی و حسینی، ۱۳۸۸: ۵۷).

سطح باروری، پایین یا بالا، از زمینه‌های اقتصادی - اجتماعی و فرهنگی جامعه و نیز ایده‌آل‌ها و تمایلات فرزندآوری زوجها، به‌ویژه زنان، تأثیر می‌پذیرد. بنابراین، پرسش این است: آیا دولت می‌تواند برای این خصوصی‌ترین وجه زندگی زوجها سیاست‌گذاری کند و تعیین نماید که آن‌ها چه تعداد فرزند داشته باشند؟ در پاسخ باید گفت: اگرچه تصمیم برای فرزندآوری، شمار فرزندان و فاصله‌گذاری بین آن‌ها امری شخصی است که متناسب با شرایط و مقتضیات زندگی زوجها صورت می‌گیرد، ولی این تصمیم‌های در سطح خرد پیامدهایی در سطح کلان خواهد داشت که غفلت از آن‌ها ممکن است برای جامعه هزینه تولید کند. تداوم باروری پایین سبب تسریع سالخوردگی جمعیت، حرکت

به سمت رشد جمعیت صفر و منفی، گرفتار آمدن در تله جمعیتی و در نتیجه کاهش حجم و رشد جمعیت ملی خواهد داشت (حسینی، ۱۳۹۴: ۳۲).

با توجه به آنچه گفته شد، دولت ناگزیر بایستی تدابیری برای جلوگیری از استمرار باروری پایین و ارتقای آن تا بالاتر از سطح جایگزینی بیندیشد. برنامه‌ها و سیاست‌های دولت باید همسو با خواسته‌ها و منافع زنان و خانواده‌ها باشد. اتخاذ سیاست‌های همسو و موافق با خواسته‌ها و تمایلات زوج‌ها احتمال موفقیت دولت را برای ارتقای باروری بیش‌تر می‌کند.

منابع

- حسینی، حاتم (۱۳۸۳). "قومیت و باروری: بررسی و مقایسه رفتار گروه‌های قومی و مذهبی در مناطق روستایی شهرستان قروه"، مقاله ارائه‌شده در همایش ملی بررسی مسائل جمعیتی ایران با تأکید بر جوانان، دانشگاه شیراز.
- _____ (۱۳۸۷). قومیت و باروری: تبیین رفتارهای باروری زنان گُرد و ترک در شهرستان ارومیه، رساله دکترای جمعیت‌شناسی، دانشکده علوم اجتماعی، دانشگاه تهران.
- _____ (۱۳۹۲). *جمعیت‌شناسی اقتصادی اجتماعی و تنظیم خانواده*، چاپ پنجم، ویراست دوم، همدان: انتشارات دانشگاه بوعلی سینا.
- _____ (۱۳۹۴). گذار جمعیت‌شناختی و الزامات سیاستی آن در ایران: به سوی یک سیاست جمعیتی جدید، مرکز بررسی‌های استراتژیک ریاست جمهوری.
- حسینی، حاتم و بلال بگی (۱۳۹۳). «تعیین‌کننده‌های اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی و جمعیت‌شناختی تمایلات فرزندآوری زنان همسر دار مراجعه‌کننده به مراکز بهداشتی - درمانی همدان (۱۳۹۱)»، *ماهنامه علمی پژوهشی دانشگاه علوم پزشکی کرمانشاه*، سال هیجدهم، شماره اول: صص ۳۵-۴۳.
- حسینی، حاتم، بلال بگی (۱۳۹۲). "فرهنگ و فرزندآوری: بررسی تمایلات باروری زنان گُرد شهر مهاباد"، *مجله مطالعات راهبردی زنان (کتاب زنان)*، سال پانزدهم، شماره ۵۸: صص ۱۶۱-۱۲۱.
- حسینی، حاتم، محمدجلال عباسی شوازی (۱۳۸۸). "تغییرات اندیشه‌ای و تأثیر آن بر رفتار و ایده‌آل‌های باروری زنان گُرد و ترک"، *پژوهش زنان (زن در توسعه و سیاست)*، دوره ۷، شماره ۲: صص ۸۴-۵۵.



رحیمی‌نژاد، ناهید (۱۳۹۰). بررسی رفتار و تمایلات فرزندآوری زوجین در شهرستان روانسر، پایان‌نامه کارشناسی ارشد جمعیت‌شناسی، دانشکده علوم اجتماعی و ارتباطات، دانشگاه علامه طباطبایی.

صادقی، رسول (۱۳۸۳). قومیت و باروری: تحلیل رفتار باروری گروه‌های قومی در ایران، پایان‌نامه کارشناسی ارشد، دانشکده علوم اجتماعی، دانشگاه تهران.

عباسی شوازی، محمد جلال، میمنت حسینی چاوشی، پیتیر مک‌دونالد و بهرام دلآور (۱۳۸۳). *تحولات باروری در ایران با شواهدی از چهار استان منتخب*، وزارت بهداشت، درمان و آموزش پزشکی، چاپ اول، تهران.

عباسی شوازی، محمد جلال و میمنت حسینی چاوشی (۱۳۹۲). *تحولات باروری در ایران در چهار دهه اخیر: کاربرد و ارزیابی روش فرزندان خود در برآورد باروری با استفاده از داده‌های سرشماری ۱۳۶۵ تا ۱۳۹۰*، تهران: پژوهشکده آمار، گروه پژوهشی آمارهای اقتصادی.

عباسی شوازی، محمد جلال، حاتم حسینی (۱۳۸۸). "تفاوت‌های قومی باروری در ایران: روندها و عوامل مؤثر بر آن"، *مجله جامعه‌شناسی ایران*، دوره هشتم، شماره ۴: صص ۳-۳۶.

عباسی شوازی محمد جلال و عباس عسکری ندوشن (۱۳۸۴). "تغییرات خانواده و کاهش باروری در ایران: مطالعه موردی استان یزد"، *نامه علوم اجتماعی*، شماره ۲۵، صص ۲۵-۷۵.

عنایت، حلیمه و لیلیا پرنیان (۱۳۹۲). "مطالعه رابطه جهانی شدن فرهنگی و گرایش به فرزندآوری"، *فصلنامه زن و جامعه*، سال چهارم، شماره ۲: صص ۱۳۶-۱۰۹.

مرادی، ناهید (۱۳۹۳). *عوامل مؤثر بر تمایلات باروری زنان ۴۹-۱۵ ساله سنی و شیعه ساکن در نقاط روستایی شهرستان کامیاران*، پایان‌نامه کارشناسی ارشد جمعیت‌شناسی، دانشگاه یزد، دانشکده علوم اجتماعی.

Abbasi-Shavazi, M.J. and P McDonald (2005). National and Provincial Level - Fertility Trends in Iran, 1972-2000, Working Papers in Demography, No. 94, Canberra: Australian National University.

Berrington, Ann (2008). Perpetual postponers? Women's, Men's, and Couple's, fertility intentions and subsequent fertility behavior. *Population Trends*, 117, 9 -19.

- Bongaarts J and S.C, Watkins (1996). Social interactions and contemporary fertility transitions, *Population and Development Review*, 22(4): 639-682.
- Day, L.H (1984). Minority group status and fertility: A more detailed test of the hypothesis. *The Sociological Quarterly* 25: 456-472.
- Fischer, N.A and J.P. Marcum (1984). Ethnic integration, socioeconomic status and fertility among Mexican-Americans, *Social Science Quarterly* 65(2): 583-593.
- Goldscheider, C and P.R. Uhlenberg (1969). Minority group status and fertility. *The American Journal of Sociology* Vol. 74: 361-372.
- Hammel, E.A (1990). A theory of culture for demography, *Population and Development Review*, 16(3): 455-485.
- Johnson, N.E (1979). Minority group status and the fertility of black Americans 1970: A New Look, *American Journal of Sociology* 84(6): 1386-1400.
- Kertzer, D. I., White, M. J., Bernardi, L., & Gabrielli, G (2009). Italy's path to very low fertility: The adequacy of economic and second demographic transition theories. *European Journal of Population*, 25(1), 89-115.
- Lopez, D.E and G, Sabagh (1978). Untangling Structural and Normative Aspects of the Minority Status Fertility Hypothesis, *American Journal of Sociology*, 83(6): 1491-1497.
- McQuillan, K (2004). When Dose Religion Influence Fertility?, *Population and Development Review*, 30(1): 25-56.
- Poston JR, Dudley L, C.F, Chang and H, Dan (2006). Fertility differences between majority and minority nationality groups in china, *Population Research and Policy Review*, 25: 67-101.
- Ritchy, P.N (1975). The effect of minority group status on fertility: An re-examination of concepts, *Population Studies*, 29(2): 249-257.
- Rosemary, S.C, L.H, Rogler and Enda Schroder (1981). Puertorican fertility: An examination of social characteristics, assimilation and minority status variables, *Social Forces*, 59(4): 1094-1113.
- Spenshade, T.J, and W, Ye (1994). Differential fertility within an ethnic minority: The effect of "Trying Harder" among Chinese-American women, *Social Problem*, 41(1): 97-113.